

## سلام کودکانه

### شیرینی خوشمزه

من و خواهرم روزه کله گنجشکی بودیم و عصر در یک مجله، دستور پخت یک شیرینی توپکی ساده را با هویج و بیسکویت خرد شده دیدیم. پس با اجازه مامان دست به کار شدیم و با کمک هم آن را درست کردیم. وقتی آماده شد کمی از آن چشیدیم، خیلی خوشمزه شده بود. دوست داشتیم بیشتر بخوریم اما یاد مامان و بابا افتادیم که هنوز روزه بودند. تصمیم گرفتیم صبر کنیم و هنگام افطار چهارنفری شیرینی را بخوریم.



ارسال نقاشی، قصه،  
خاطره، عکس و ...  
۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶  
۲۰۰۰۹۹۹

## معرفی کتاب

### خاطرات یک مارمولک

این کتاب داستان یک مارمولک شیطان را تعریف می‌کند که از پشت بام به اتاق یک پسر بچه می‌افتد. آن‌ها با هم دوست می‌شوند و همه وقت‌شان را با هم می‌گذرانند حتی با هم به مدرسه می‌روند. اگر می‌خواهید بدانید که چطور این دو با هم دوست می‌شوند و دوستی و زندگی کردن با یک مارمولک چه خوبی‌ها و چه دردسرهایی دارد، کتاب «خاطرات یک مارمولک» نوشته «آرزو مصطفی» را بخوانید. این کتاب را «مرجان ساروقی» تصویرگری و انتشارات ناک پاییز ۹۸ منتشر کرده است و برای دانش‌آموزان سال‌های پایانی دبستان مناسب است.



## برشی از کتاب

تنها، روی دیوار پشت‌بام، توی آفتاب لم داده بودم. هر چند دقیقه یک بار چشم‌هایم را باز می‌کردم. خبری نبود. از شناس بد من هیچ حشره‌ای از دو متری من هم رد نمی‌شد. چشم‌هایم را بسته بودم که صدای خس‌خس شنیدم.

## شعر

### آشتی، آشتی

رفته زیر پله‌ها  
قائم شده عروسک  
برای آشتی کردن  
به اون می‌دم لواشک

میگه: «تو من رو دیروز  
رو پله جا گذاشتی»  
یه بوس می‌دم رو لپش  
می‌پرسم: «آشتی آشتی»

محبوبه صمصام شریعت



## شهرقصه

### جور و اجور و جور ناجور

ننه کفشدوزک، کفشدوزکی ناقلا و شیطان بود. او کفش می‌دوخت؛ کفش‌های بچه‌گانه، نو و کهنه و یک کیسه پر از صداهای جورواجور، جورناجور داشت؛ از صداهای دالامب دولومب تا صدای خش‌خش، خس‌خس، فیس و فوس و ... هر وقت کفشی را می‌دوخت، رفو می‌کرد یا می‌چسباند، صدایی در پاشنه‌اش می‌گذاشت.

بچه‌ها کفش‌های ننه کفشدوزک را دوست داشتند. چون وقتی این طرف و آن طرف می‌دویدند، صدای دالامب دولومب، تالاق تولوق، درینگ جیرینگ بلند می‌شد. اما مامان مورچه، باباسنجاکک، ننه پروانه و بابا جون سوسکه از بس صداهای جورواجور و جورناجور شنیده بودند، کلافه شده بودند. ولی باز هم ننه کفشدوزک کار خودش را می‌کرد.



تا این‌که یک روز ننه کفشدوزک برای نی‌نی کفشدوزک جشن تولد گرفت. آن‌ها همه بچه‌ها را دعوت کرده بودند. در تولد همه صداها بود؛ دالامب دولومب، فیس و فوس، دیلینگ دیلینگ و ... ننه کفشدوزک کم‌کم از شنیدن این همه صدا کلافه شد چون صدا به صدا نمی‌رسید. جیرجیرک خانم می‌خواست آهنگ تولد تولد مبارک بخواند، اما نمی‌شد. ننه کفشدوزک فکر بکری کرد. به بچه‌ها گفت: «همگی بشینین تا به کیک بزرگ براتون بیارم». بعد به جیرجیرک خانم چشمک زد و گفت: «همین که کیک رو آوردم تو هم بخون».

اما همین‌که ننه کفشدوزک کیک را آورد، هزارپا کوچولو هم از راه رسید. هر کدام از کفش‌های هزارپا کوچولو یک صدایی می‌داد؛ درینگ جیرینگ، خش‌خش، دالامب دولومب و ... بچه‌ها با دیدن هزارپا کوچولو خندیدند و تولد دوباره پر از صداهای جورواجور و جورناجور شد.



نویسنده: لیلا باقی‌پور

تصویر سازی: فاطمه صفری

## هنرمند کوچولو

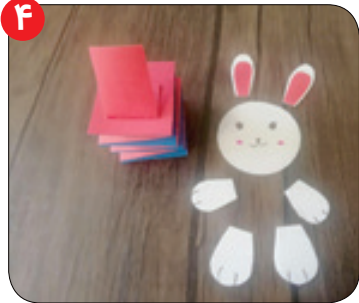
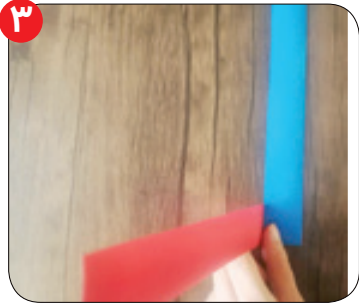
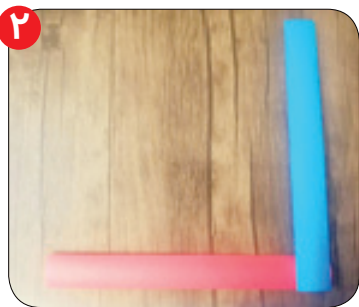
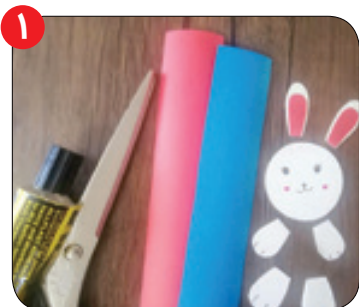
### خرگوش فنی

#### چی لازم داریم؟

کاغذ سفید و رنگی، قیچی، چسب

#### چطوری درست کنیم؟

انتهای دو نوار بلند کاغذ را روی هم چسب می‌زنیم. کاغذها را به صورت یک در میان از قسمت چسب زده تا انتها تا می‌زنیم. انتهای دو نوار کاغذی را که روی هم قرار گرفته‌اند، چسب می‌زنیم و قسمت‌های اضافی را قیچی می‌کنیم. با استفاده از کاغذهای رنگی و ماژیک، سر، دست‌ها و پاهای خرگوش مان را درست می‌کنیم. دست‌ها و پاهای خرگوش را روی بدنش می‌چسبانیم و سرش را با یک تکیه‌گاه کوچک کاغذی به بدنه متصل می‌کنیم. حالا یک خرگوش کوچولوی فنی بامزه داریم.



## سرگرمی

### جدول الفبا

دوستان خوبم نام خوراکی‌هایی را که ممکن است سر سفره افطار باشد، در جدول پیدا کنید. بعد از حل جدول، حروفی را که باقی مانده است به ترتیب در کنار هم قرار دهید تا رمز جدول را به دست بیاورید.

ش	خ	ر	م	ا	ز
ل	ب	م	ا	ه	و
ه	ا	چ	ا	ی	ل
ز	م	ر	ا	م	ب
ر	ی	ض	ش	ا	ی
د	ه	ا	ب	ن	ا

